تاریخ تئاتر اروپا

هاینتس کیندرمن
ترجمه سعید فرهودی
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در عصر رنسانس، تئاتر از عوامل متعددی متاءثر بود. روند دگرگونی و موقعیت و جایگاه تازه تئاتر، بیشتر از همه، تحت‌تاءثیر عامل دیگری بود: تولد اروپای جدید با فرهنگ و تمدنی جدید که در آن ملیت‌ها هر یک با فرهنگ خاص خود در عرصه ظاهر شدند. در کنار رنسانس ایتالیایی، رنسانس‌های دیگر همه بنا بر نمونه‌ی ایتالیایی به حرکت درآمده و از اصول مشترکی پیروی کردند. اما در عین حال به فراخور شرایط خود، شکل و رنگ ویژه‌ی خویش را بر صحنه‌های تئاتر جدید اروپایی حفظ کرده بودند. در این زمان حرکت‌های پویا به شکل نمایش‌های تئاتری در جست‌وجوی اشکال بیانی جدیدی بودند که با جشن‌های کارناوال گونه و پرشکوه نمایشی نیز رابطه‌ای فشرده داشتند، خودآگاهی هنری رنسانس در پی قانونی است که در درون همه‌ی معیارها و عناصر اصیل زندگی و حرکت نامرئی آن به اشکال ویژه وجود دارد. در اینجا تاثیر سحرآمیز گذشته و همسانی با آن مطرح است و در راز زیبایی قطعات طلایی موردنظر است. همه‌ی این بازیافته‌های نو، ساختار تئاتر رنسانس، شکل اجرایی و صحنه‌ی آن، نوع تصویری و سبک نمایش آن را به طور کلی تحت تاثیر قرار می‌دهد. اکنون کمال مطلوب زیبایی بر خلاف اواخر دوران گوتیک، به مثابه محور اصلی، هم برای تصویر نمایشی از انسان و هم برای شیوه‌های تنظیمی و تزیینات و جلوه دکوراسیون، لباس‌ها و همچنین حرکت در فضای نمایشی اعتبار داشت.

هر جا که تئاتر رنسانس در مبارزات بزرگ به خاطر مسائل معنوی آینده به مداخله می‌پردازد، بی‌تردید یک نظام زندگی پرهیجان نیز مطرح است. شعار هوتن این بود که «زندگی کردن، خود لذتی!» است و بسیاری از اندیشمندان آن عصر تکرار می‌کردند. درواقع حرکت تئاتر رنسانس اندیشه‌ی هوتن و تایید زندگی به شیوه‌ی او را منعکس می‌سازد.

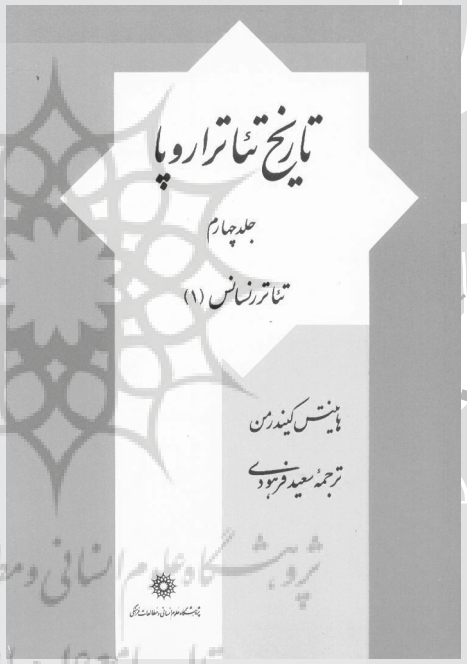

در مجموعه‌ی تاریخ تئاتر اروپا، جلد چهارم به تئاتر رنسانس اختصاص یافته است. در این مجموعه چندجلدی، نویسنده طی دو فصل رنسانس و باروک، که دوران جدیدی از تاریخ تئاتر اروپا را دربرمی‌گیرد، تلاش شده واقعیات تئاتری تا حدممکن زنده نگه داشته شود تا خواننده رخدادهای بزرگ تئاتری سده‌های شانزدهم و هفدهم را همانند یک تماشاگر مشاهده کند. در عصر رنسانس و باروک نویسنده بسیاری از مسائل را که از انظار دورمانده، و در نوع خود به نحو دیگری جلوه می‌کردند، به میدان دید کشانده تا بتوان رخدادهای تاریخی تئاتر را قابل درک ساخت. چرا که طرح‌های زنده و پرشکوه و شکل پدیده‌های تئاتر رنسانس و باروک در ویژگی‌های منحصر به فردشان هنگامی قابل شناختن هستند که تصویر کلی تئاتر در همان دوران پدیدآمدنش به شکل کاملاً زنده‌ای مجسم شود، بنابراین عصر رنسانس و باروک جداگانه بررسی شده‌اند. از طرفی چون روند تکاملی هنر نمایشی انگلیسی و اسپانیایی آشکارا پیشرفتی را نشان می‌دهد، این دو در آغاز جلد مربوط به باروک بررسی و مطالعه می‌شوند. خواننده درمی‌یابد که در اینجا موضوع دیگری جز شمارش مسلسل روندهای تئاتر ملی مطرح بوده است.

نویسنده قصد آن دارد پویایی حرکت‌های گوناگون ملل را در آیینه‌ی تاریخ تئاتر قاره‌ی اروپا نشان دهد و به همراه این پویایی که زنجیروار به هم پیوسته است تاثیرپذیری متقابل در مرزهای اروپایی را نیز عرضه کند. وی کوشیده است در این مجلدات، واقعیات هنری سراسر اروپا را درباره‌ی فعالیت‌های تاریخی تئاتر مدنظر داشته باشد، بدین معنی که تئاتر آن مناطقی هم که به فراموشی سپرده شده‌اند به دقت بررسی شود.

اما اثر حاضر که جلد چهارم و تحت عنوان تئاتر رنسانس منتشر شده خود به دو مجلد تئاتر رنسانس (۱) و جلد دوم با عنوان تئاتر رنسانس (۲) تقسیم شده است که این کتاب مجلد اول را تشکیل می‌دهد. در جلد اول ابتدا تئاتر ایتالیا، یعنی گهواره‌ی رنسانس بررسی و تشریح شده، سپس از تئاتر فرانسه به تفصیل سخن به میان آمده است. در جلد دوم تئاتر کشور هلند، سرزمین‌های آلمانی‌زبان، اسکاندیناوی، اسلاوی و مجارستان بررسی و تحلیل می‌شود. خواننده با مطالعه این دو مجلد درمی‌یابد که تئاتر کنونی اروپا در بسیاری موارد از عصر رنسانس ریشه گرفته است. در این دو مجلد مجموعه‌ای از درام‌های آن دوران بررسی و در تکمیل این بررسی‌ها، اجرا و صحنه‌های گوناگون از نظر دور نمانده‌اند و دقیقاً مطالعه و شیوه‌های مختلف نمایشی نیز تشریح شده است. معماران صحنه‌ای معرفی و در رشته‌های نقاشی، صحنه‌آرایی و کارگردانی از دیگر هنرمندان سخن به میان آمده است. قابل ذکر است تمامی پانوشت‌های دو مجلد نیز توسط مترجم تهیه شده است.